

The role of the Jewish lobby in US foreign policy decisions in support of Israel

Sadighe Hoseini¹, Alireza Naeij²

Date received: 2022/06/03

Date of acceptance: 2022/09/12



۴۷

نقش لابی یهودیان در تصمیمات سیاست خارجی آمریکا ...

Abstract

The position of lobbies as influential and influential groups The decision-making process in the United States of America is completely legal and obvious In the meantime, the Jews have been able to seize this opportunity And increase their position and power among their competitors To the extent that all decisions should be filtered by Jewish lobbies (Which is headed by International Zionism) pass And full oversight of the internal decision-making process And foreigners with influence and influence over Congress, the White House Thinking rooms and other influential centers In the decision-making process Thanks to the above, the question is the role of Jewish lobbies What role do they play in US foreign policy decision-making in support of the Zionist regime? (Statement of the problem)

Research hypothesis by descriptive-analytical method and method of document-electronic collection And based on policy-making theory, the answer is: Israeli lobbying in ways such as financially supporting congressional candidates And the presidency, the propaganda pressures in the media As well as influencing scientific circles to seek guidance The US policy apparatus is to support Israel. (Hypothesis). Necessity and importance of research: It must be said that the Jews rule the world through the American government They make others fight

1. PhD in international relations and lecturer at Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
sdhoseyni@yahoo.com

2. PhD in International Relations and Lecturer at Jamia Al-Mustafa University, Qom, Iran (responsible Author), alireza128@gmail.com

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA..

for them And be killed. So it is necessary with this The premise was to eliminate the weaknesses and backwardness of the Muslims.

Keywords: Lobby, Israel, Foreign Policy, America, Zionism



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

نقش لابی یهودیان در تصمیمات سیاست خارجی آمریکا در حمایت از اسرائیل

سیده صدیقه حسینی^۱

محمد خورشیدی^۲

علیرضا نائج^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳

چکیده

جایگاه لابی‌ها به عنوان گروه‌های ذی نفوذ و تاثیرگذار بر روند تصمیم‌گیری درکشورایالات متحده امریکا کاملاً قانونی و آشکار است، در این میان یهودیان توانسته‌اند از این فرصت استفاده کنند و جایگاه و قدرت خویش را در میان رقبای خود افزایش دهند تا جایی که تمامی تصمیم‌گیریه‌ها باید از فیلتر لابی‌های یهودی (که در راس آن صهیونیسم بین الملل قرار دارد) بگذرد و نظارت کامل بر روند تصمیم‌گیری-های داخلی و خارجی با نفوذ و تاثیرگذاری بر کنگره، کاخ سفید، اتاق‌های فکر و دیگر مراکز تاثیرگذار در روند تصمیم‌گیری داشته باشد. به تاسی از مطالب مذکور سؤال این است که نقش لابی‌های یهودی در تصمیم‌گذاری و تصمیم‌سازی سیاست خارجی آمریکا در حمایت از رژیم صهیونیستی چه نقش ایفا میکنند؟ (بیان مسأله)

فرضیه تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اسنادی-الکترونیکی و براساس نظریه تصمیم‌سازی سیاست‌گذاری پاسخ میدهد: لابی اسرائیل از راه‌هایی هم چون حمایت مالی از نامزد های انتخابات کنگره و ریاست جمهوری، فشارهای تبلیغاتی در رسانه‌ها و نیز اعمال نفوذ در محافل علمی در پی هدایت دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا به سمت حمایت از اسرائیل می‌باشد. (فرضیه). ضرورت و اهمیت تحقیق: باید گفت یهودیان از طریق دولت آمریکا بر جهان حکومت میکنند، آنها دیگران را و او می‌دارند برای آنها بجنگند و کشته شوند. پس لازم است بالاین پیش فرض به دنبال رفع ضعفها و عقب ماندگی های مسلمانان بود.

واژه‌های کلیدی: لابی، اسرائیل، سیاست خارجی، آمریکا، صهیونیزم.

۱. دکترای روابط بین الملل و مدرس دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. sdhoseyni@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مفید، قم، ایران. m.khorshid1367@gmail.com

۳. دکترای روابط بین الملل و مدرس دانشگاه جامعه المصطفی، قم، ایران. (نویسنده مسئول) alireza128@gmail.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.





لابی‌ها به شکلی که ما امروزه می‌شناسیم تا دهه ۱۸۲۰ وجود نداشتند و فعالیت گسترده گروه‌ها در واشنگتن تا پایان قرن هیجدهم به منصفه ظهور نرسیده بودند. تا این‌که در سال ۱۹۹۵ قانون جدیدی به نام (قانون شفاف سازی فعالیت‌های لابی) در کنگره به تصویب می‌رسد، این قانون «لابیسم»^۱ مشهور می‌شود و نیز فعالیت لابی‌ها را تغییر می‌دهد. البته در سال ۱۹۹۸ نیز به صورتی دوباره مورد بازبینی قرار می‌گیرد و با اصلاحیه‌ای که بدان افزوده می‌شود، قانون متمم تکنیکی شفاف‌سازی فعالیت‌های لابی نامیده می‌شود. اکنون این قانون به عنوان مبنای فعالیت‌های لابی در آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد. لابی به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که برای تحقق بخشیدن به اهداف و منافع خود به دنبال بهره‌گیری از ساختار و ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی کشور خود هستند و از طرفی هم به دنبال تأثیرگذاری بر روند جهت‌گیری‌های سیاسی، داخلی یا خارجی کشور متبوع خویش هستند. در این فضا سازمان‌های سیاسی جامعه یهودیان کارویژه «لابی»^۲ را برعهده دارند که توانسته‌اند به یکی از بزرگ‌ترین لابی‌های قومی-نژادی در ایالات متحده آمریکا تبدیل شوند. این لابی برای تقویت منافع اسرائیل از همه امکانات خود برای تأثیرگذاری در سیاست خارجی آمریکا استفاده می‌کند. مرشایمر^۳ در مقاله‌ای که با همکاری استفان‌والث^۴ به نام اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا تحریر نموده‌است به این نکته به درستی اشاره نموده که لابی اسرائیل در آمریکا از ائتلافی از افراد و سازمان‌ها تشکیل شده‌است که به طور فعال بر شکل دهی سیاست خارجی آمریکا در مسیر حمایت و پشتیبانی از اسرائیل تأثیر می‌گذارد... اعضای این لابی را یهودیان آمریکایی تشکیل می‌دهند که تلاش قابل توجهی برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا و سوق دادن به واشنگتن به حمایت از اسرائیل انجام می‌دهند. یهودیان آمریکا برای اعمال نفوذ بر سیاست خارجی آمریکا سازمان‌های متعددی را ایجاد کرده‌اند که «آپیک» مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود (Mearsheimer, & Walt, 2006, pp. 40-41) پیرامون میزان تأثیر گذاری گروه‌های حمایت‌کننده، نفوذگذار یا همان لابی‌ها در شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا سابقه‌ای طولانی دارد. و با توجه به کثرت گرایی برای اعمال نظر در تصمیم‌گیری در امر سیاست‌گذاری در امور خارجی، آن هم در سیاست خارجی قلم‌فرسایی‌های فراوانی شده است. باید توجه نمود هر نوع بررسی در مورد سیاست خارجی آمریکا و عوامل مؤثر بر نظام تصمیم‌گیری

1. labiism

2. laby

3. Mersheimer

4. Stephen Walt

آن، ناگزیر محققان را به سوی چگونگی نقش آفرینی عوامل مؤثر بر این جریان، هدایت می‌کند. نوشتار حاضر، در پی آن است که با نگاهی عمیق‌تر و مستندتر به بحث نقش لابی اسرائیل و تأثیرگذاری بر نوع سیاست خارجی آمریکا را مورد کاوش قرار دهد. پرسش اصلی این نوشتار چنین است: «لابی اسرائیل از چه راه‌هایی در پی هدایت دستگاه سیاست گذاری در آمریکا به سمت حمایت از اسرائیل است؟» برای پاسخ به این پرسش، بر این فرضیه تأکید می‌نماید که: لابی اسرائیل از راه‌هایی هم چون حمایت مالی از نامزد های انتخابات کنگره و ریاست جمهوری، فشارهای تبلیغاتی در رسانه‌ها و نیز اعمال نفوذ در محافل علمی در پی هدایت دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا به سمت حمایت از اسرائیل می‌باشد.

۱- چارچوب نظری:

یکی از سطوح تحلیل سیاست بین‌الملل، بررسی رفتار دولت‌ها (به عنوان واحدهای رسمی سیاسی) بر پایه‌ی ارزیابی تصمیماتی است که سیاست‌گذاران در زمینه‌های مختلف اتخاذ می‌کنند. بدین ترتیب روش تصمیم . تجزیه و تحلیل سیستمی در فرآیند تبادل میان سیستم و محیطش، نهادهای سیستم به داده‌ها تبدیل می‌شوند و در حقیقت داده‌های مزبور همان تصمیمات به شمار می‌روند. براین اساس، ارزیابی رفتار دولت‌ها در چارچوب سیستم تصمیم‌گیری آنها می‌تواند به تجزیه و تحلیل عملکرد نظام بین‌المللی کمک کند. (Qawam, 1990. p39) کلیه تعابیر مختلفی که از نظریه تصمیم‌گیری در حال حاضر وجود دارد بر چند پیش فرض مشترک مبتنی است. پیش فرض اول آن است که کارآمدترین سطح تحلیل برای تجزیه و تحلیل مباحث بین‌المللی، سطح تحلیل خرد است. سطح خرد در این مقال بر دولت ملی و تصمیم‌گیران آن ناظر است. پیش فرض دوم آن که چون دولت ملی، واحدی انتزاعی است، از این رو هرگاه که از تصمیمات یک دولت ملی سخن به میان می‌آید منظور اشاره به تصمیمات مسؤولان دستگاه‌های مختلف در رابطه با سیاست خارجی است. پیش فرض سوم این است که پیوسته راه‌های بدیلی برای هر تصمیم‌گیر وجود دارد، بنابراین تصمیم‌گیرنده با انتخاب‌ها و گزینه‌های مختلف روبه‌رو است. براساس این دیدگاه از برخورد دروندادهای مؤثر بر تصمیم‌گیری و بروندادهای ناشی از دستگاه تصمیم‌گیری است که تصمیم‌گیری سیاسی شکل می‌گیرد و به صورت سیاست‌های رسمی و اقتدارآمیز از هر جامعه وارد محیط بین‌المللی می‌شود. بنابراین چارچوب تصمیم‌گیری شامل مطالعات تحلیلی در سطح دولت‌ها و نمایندگی افراد تصمیم‌گیرنده می‌شود. (Seifzadeh, 1997. pp264-265) در این نظریه در موضوع عوامل تعیین‌کننده داخلی در سیاست خارجی، علاوه بر نهادهای رسمی به نهادهای غیر رسمی و نیز



به محیط غیرانسانی، عوامل فرهنگی و روابط اجتماعی توجه می‌کنند. در مورد تجزیه و تحلیل سیاست خارجی نیازمند توجه به رفتار، مفاهیم، قضاوتها و اهداف تصمیم‌گیرندگان می‌باشد. در سطح رفتار و ساختار اجتماعی توجه نظریه پردازان نظریه تصمیم‌گیری به این شش مورد معطوف گردیده‌است: جهت‌گیریهای ارزشی عمده؛ الگوهای نهادی عمده؛ مشخصات اصلی سازمانهای اجتماعی؛ تخصیص و تفکیک نقش‌های گروه‌ها شامل: نوع و کارکرد آنها؛ پوشش‌های اجتماعی مربوطه شامل: افکار عمومی و اجتماع‌گرایی بزرگسالان؛ و پوشش‌های سیاسی. در سطح ساختار تصمیم‌گیری، نظریه‌پردازان مدعی هستند که باید به دو عامل پوشش‌های تصمیم‌گیری و ساخت فکری تصمیم‌گیرندگان توجه شود. در نهایت تصمیمات این دستگاه تصمیم‌گیری است که به صورت سیاست وارد فضای خارجی تصمیم‌گیری می‌شود. (Seifzadeh.p267) بنابراین تصمیم‌سازی سیاست خارجی از مجموع رفتارهای سازمان‌های مسؤول در

قبال یک مسأله خاص به دست می‌آید (Seifzadeh.p269)

مفاهیمی که در این نظریه مد نظر است عبارتند از: ۱. تصمیم‌سازی: به بروندهای نظام سیاسی اطلاق می‌شود که از طریق آنها ارزشها به نحو مقتدرانه‌ای تخصیص می‌یابند. ۲. هدف: بازده مطلوب و قابل انتظار از یک اقدام سیاسی است. ۳. انتخاب منطقی: انتخابی که بیشترین بازده را داشته باشد. ۴. انگاره و برداشت: تصویر و برداشت تصمیم‌گیرنده از واقعیت است. ۵. تصمیم‌گیری: فراگردی که طی آن شیوه عمل خاصی برای حل یک یا چند مسأله انتخاب می‌شود. ۶. عقلانیت مطلق: سودمندترین راه‌حلی که از لحاظ ذهنی قابل تصور است. ۷. عقلانیت محصور: سودمندترین راه‌حل ممکن یا راه بهینه. ۸. بسندگی: راه‌حلی که حداقل نیاز را برطرف می‌کند. (Seifzadeh.p271) در ذیل به برخی از مهم‌ترین تعاریف از «تصمیم‌گیری» اشاره می‌کنیم: ۱- تصمیم‌گیری عبارت است از انتخاب یک راه از میان راههای مختلف، ۲- تصمیم‌گیری فراگردی است که طی آن شیوه عمل خاصی برای حل مسئله یا مشکل ویژه برگزیده می‌شود. ۳- تصمیم‌گیری فراگردی است که از طریق آن، راه حل مسئله معینی انتخاب می‌گردد. (Soleimani.1390. pp.330-331) از نظر «دیویدا استون»^۱، تصمیمات، بروندهای نظام سیاسی هستند که از طریق آنها ارزشها در یک جامعه به نحو اقتدارآمیز توزیع می‌شود. (jafaree.1389.p88)

۱-۱- معیارهای تصمیم‌گیرندگان

عمده‌ترین معیارهایی که باید در سطوح تصمیم‌گیری مورد توجه قرار داد به شرح زیر است: ۱. تصمیم‌گیرندگان: در فرآیند اتخاذ تصمیمات، افراد و گروه‌های مختلف بازمینه‌های اجتماعی، فرهنگی،

1. Davidstone



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی

ارزشی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی گوناگون دخالت دارند. ۲. شرایط و مقتضیات تصمیم‌گیری: در این مرحله باید دید سیاست‌گذاری‌ها تحت چه شرایطی صورت می‌گیرد. آیا عوامل و انگیزه‌های جدی واحدهای تصمیم‌گیرنده را مورد تهدید قرار می‌دهند؟ آیا تصمیم‌گیرندگان زمان کافی را برای نشان دادن واکنش در اختیار دارند؟ طبعاً در تمامی حالات مزبور، نوع و کیفیت واکنش نسبت به وضع خاصی که پیش می‌آید یکسان نیست. ۳. دسترسی به منابع اطلاعاتی و بهره‌گیر از امکانات: اتخاذ تصمیم عقلایی و منطقی مستلزم برخورداری از اطلاعات دقیق و منابع قابل دسترسی شامل نیروی انسانی متخصص، تکنولوژی و امکانات مالی است و مزید بر اینها، تصمیم‌گیرندگان باید توانایی لازم را برای بهره‌گیری از این اطلاعات و منابع را دارا باشند. ۴. ساختار نظام تصمیم‌گیری: چگونگی اخذ تصمیم‌ها و روشهای سیاستگذاری در داده‌های نظام سیاسی از لحاظ تأثیر گذاری بر رفتار دیگران دارای اهمیت است. (Qawam.1990. pp.40-46)

۲-۱- انواع مدل‌های تصمیم‌گیری

برای آنکه سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها را بر اساس یک سلسله استانداردها و معیارها مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم ضروری است از مدل‌هایی که از سوی صاحب نظران ارائه شده‌اند بهره‌گیریم. ۱- مدل عقلایی: در این مدل، تصمیم‌گیرندگان باید از اطلاعات قابل ملاحظه‌ای در مورد ارزشها، منابع، اهداف و اولویت‌های هدفهای گوناگون برخوردار بوده تا اینکه بتوانند رفتارهای احتمالی آتی را پیش‌بینی کنند. در چارچوب مدل مزبور، تصمیم‌گیرندگان درصدد اتخاذ بهترین تصمیم‌ها می‌باشند. ۲- مدل رضایت بخش: سیاست‌گذار، در این مدل انسان به کمال رساننده به شمار نمی‌رود بلکه به رضایتبخش بودن تصمیم‌ها توجه دارد. ۳- مدل فزاینده: این روش، روش محافظه‌کارانه است و تصمیم‌گیرندگان درصدد تغییرات بنیادی و اساسی در تصمیم‌های قبلی نیستند؛ زیرا تصور می‌کنند که دگرگونی عمده در سیاست‌گذاریها ممکن است مشکلات گوناگون و غیر قابل کنترلی در ایجاد سازش و توافق میان سیستم سیاسی و محیط آن از لحاظ تبدیل نهاده‌ها (خواسته‌ها و منافع) به داده‌ها (تصمیم‌ها) به وجود آورد و حتی در مواردی مشروعیت نظام سیاسی مورد سؤال قرار گیرد. ۴- مدل بینش فوق‌العاده: تأکید این مدل بر برخورداری برخی از تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران از تواناییها، استعداد فوق‌العاده، ابتکارات، نوآوری و خلاقیت است به گونه‌ای که در پاره‌ای از موارد وجود این گونه تواناییها، نقطه نظرها و نقش سایر عوامل و نهادهای تصمیم‌گیرنده را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد. ۵. مدل مختلط: در این مدل سعی می‌شود به نوعی نارسایی‌های موجود در مدل‌های فزاینده و عقلایی به حداقل ممکن کاهش پیدا کنند و بر اساس این مدل، تصمیم‌گیرندگان به طور هم‌زمان جنبه‌ها و دیدگاه‌های خرد و کلان را در سیاست‌گذاری

مورد توجه قرار دهند. (Qawam.1990. p.49) در نظریه «تصمیم‌گیری» به این موضوع قائل هستند که هدف‌های ایجاد شده در سیاست خارجی به وسیله تفسیر تصمیم‌گیرندگان از ارزش‌ها درون جو سیاسی- اجتماعی آنها پدید آمده، و در این کار، بر این اندیشه هستند که باید (خواه ناخواه تحت تأثیر محدودیت‌های سیاسی داخلی) به برخی از ارزش‌ها نسبت به دیگر ارزش‌ها اولویت داده شود. (1380.p.350 Reynolds)

۳-۱- مفاهیم کاربردی

برای ارتباط با مفاهیم مورد استفاده در این مقاله لازم می‌باشد تعریفی از این مفاهیم پر کاربرد ارایه شود که در زیر به این مهم می‌پردازیم:

۱- لابی (نفوذگذاری): لابی^۱ واژه‌ای انگلیسی به معنای "سالن" "تالار ورودی" یا "سرسرا" است. واژه "لابی" در معنای مشخص و دقیق خود، به گروه‌های فشاری اطلاق می‌گردد که موجودیت خود را به عنوان گروه فشار رسماً به ثبت رسانده‌اند. اما این واژه در معنای عام خود به گروهی از سازمان‌ها، هیأت‌ها، گروه‌های دارای منافع و گرایش‌های سیاسی گفته می‌شود که ممکن است به طور رسمی ثبت نشده باشند، اما بر حاکمان و تصمیم‌گیران اعمال فشار می‌نمایند. (<http://zien.maarefefealestin.com/index.php/>) در معنای دقیق، به پیروی از روش ایالات متحده ی آمریکا، نفوذ گذار (لایست) «ترغیب‌کننده‌ی حرفه‌ای» است؛ یعنی شخصی که اجیر شده‌است تا نظرات موکلان خود، یعنی گروه‌ی نفع، را مطرح کند. (hyood.2012.p403)

۲- لابی‌گری: لابی‌گری شیوه‌ای برای اعمال نفوذ در روند تصمیم‌گیری سیاسی به نفع گروه‌های خاص ذی نفع یا گروه‌های فشار است. به عبارت دیگر لابی‌گری، عمل حمایت‌گری شخصی یا خصوصی با هدف اعمال نفوذ بر نهادهای حکومتی است. (ranjbar.beta.pp424-425) لابی‌گری در اصطلاح سیاسی آمریکا، به معنای نفوذ در قوه‌ی قانون گذاری (از راه تماس با اعضای دو مجلس و وزیر نفوذ آوردن آنها) و اجرای نظر‌های خود از آن راه است. (ashore.2012.p277) این کار مستلزم تشکیل محافل انس و مجالس خصوصی و یا رشوه دادن به مقامات سیاسی و کنگره است. لابی ایست‌ها به مجلس سوم قوه مقننه نیز معروفند (Agha Bakhshi and Afshari Rad 2010.P384)

۳- سیاست خارجی: پلان و التون سیاست خارجی را یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم‌گیران حکومتی می‌دانند که هدف آن دستیابی به اهداف مشخص در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. (Ashtarian and Jafari Haftkhani.2007.p116)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۵۴

سال دوازدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۱



۴- سیاست‌گذاری (سیاست‌گری؛ سیاست‌سازی): فرآیند اخذ تصمیم در مورد یک خط مشی که باید در آتیه پیگیری شود و مورد عمل قرار گیرد. عده‌ای صورت درست این واژه را سیاست‌گذاری دانسته‌اند نه سیاست‌گذاری. (Agha Bakhshi and Afshari Rad 2010.P550)

۵- گروه‌های ذی‌نفع: بر اساس تعریف فرهنگ علوم سیاسی آمریکا، گروه‌های ذی‌نفع، گروهی است که اعضای آن دارای ایده‌ها و اهداف مشترک بوده و برنامه‌هایی را به صورت فعالانه برای اعمال نفوذ بر مسؤولان و سیاست‌های دولت انجام می‌دهند. گروه‌های ذی‌نفع از نظر اندازه قدرت، اهداف و فضای عمل بسیار متفاوت هستند ولی شیوه‌های کنش آنها شبیه به هم است. این شیوه‌ها شامل لابی کردن ورود به فرآیند انتخابات تبلیغات برای تأثیر بر افکار عمومی است. (tabatabaie.2006.p33)

-گروه‌های (ذی‌نفوذ): گروه‌های ذی‌نفوذ را به هیچ وجه هدف این نیست که خود قدرت را به دست آورند یا در اعمال آن شرکت جویند بلکه برآنند که زمامداران را زیر نفوذ خود بگیرند و بر آنان «فشار» وارد نمایند. (Duverge.2007.p78)

۲- روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا

سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده یک نظام پیچیده اجتماعی - سیاسی است که افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را در بر می‌گیرد و این تصمیمات به گونه‌ای شکل می‌گیرند که تحت تأثیر هر دو نهاد رسمی و غیر رسمی قرار دارند. نهادهای سیاست‌گذار رسمی و تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایالات متحده شامل قوه مجریه، کنگره، و بروکراسی (که به عنوان یک واحد عمل می‌کنند) می‌شوند و سیاست‌گذاران غیررسمی که گروه‌های ذی‌نفوذی را در بر می‌گیرند. سیاست‌گذاری، روندی رسمی دارد که برای رسیدن به بهترین نتیجه تنظیم شده است. در ایالات متحده آمریکا، این مسئولیت بر عهده قوه مجریه و کنگره قرار گرفته است؛ ولی بازیگران متعددی در این فرآیند دخیل می‌باشند. قوه مجریه و مقننه دو عامل مهم در تعیین تصمیم‌های سیاست خارجی آمریکا هستند و هر کدام می‌توانند در صورت مخالف بودن با روند جاری، از ابزارهایی که در اختیار دارند برای تغییر آن استفاده کنند. (Mousavi & Kadkhodai & Shafiei Sarvestani 2011.P15)

البته بازیگران دیگری هم هستند: بازیگران دولتی: مثل شورای امنیت ملی، وزارت خارجه، وزارت دفاع، وزارت امنیت، سیا و NIS، فدرال رزرو، خزانه داری، وزارت بازرگانی، وزارت دادگستری (دادستان کل)، اف.بی.آی. کنگره و دیوان عالی آمریکا.

نهادهای دیگری که در زمینه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی سهیم و مؤثر هستند نهادهای غیررسمی می‌باشند، که اغلب با عنوان گروههای ذی‌نفوذ شناخته می‌شوند نیز بر روند تصمیم‌گیری اثر می‌گذارند... گروه‌های ذی‌نفوذ منافع تحقیق را فراهم می‌کنند، به افکار شکل می‌دهند و سیاست‌های خود را جلو می‌برند و گاهی مواقع سیاست ملی را قالب ریزی کرده و منافع خود را جایگزین منافع ملی می‌کنند. (Mousavi & Kadkhodai & Shafiei Sarvestani 2011.P17)

از طرفی نیز در آمریکا، گروههای ذی‌نفع در تمام سطوح اعم از ملی، ایالتی، بخش، شهر و منطقه عمل می‌کند. علاوه بر قوه مقننه و مجریه، گروه ذی‌نفع در جستجوی اعمال نفوذ بر قوه قضاییه نیز هستند. به روشنی مشخص است که گروه‌های ذی‌نفع یک بخش بسیار مهم سیاست و دولت در آمریکا هستند. یکی از گروههای ذی‌نفع بسیار مهم در آمریکا، لابی یهودیان آمریکا است. با وجود تنوع و تکثر گروههای ذی‌نفع (لابی‌ها) در عرصه سیاسی آمریکا، لابی یهودیان آمریکا به دلیل قدرت و کارایی و توانایی شکل بخشی به نتایج سیاست خارجی آمریکا، جایگاه ویژه‌ای دارد. (tabatabaie.2006.p35)

بازیگران غیر رسمی به قرار زیر است: رؤسای جمهور، مقامات بلندپایه‌ی سیاسی و وزرای امور خارجه سابق (مانند کلینتون و کسینجر)، ثروتمندان طراز اول، صاحبان بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، ارتباط جمعی و فرهنگی-سینمایی... و نهادهایی چون: گروههای ذی‌نفع، اتاق‌های فکر و مؤسسات سیاست خارجی، دانشگاه‌های مهم، رسانه‌های جمعی، کلیسا و مؤسسات مذهبی، اقلیتهای قومی، اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های صنفی، بنگاه‌های لابی (بیش از ۴۵ هزار بنگاه رسمی لابی آمریکا در عرصه‌ی سیاست خارجی فعالند)، شرکت‌ها و نهادهای مالی، اقتصادی و تجاری، هالیوود، انجمن‌ها و شرکت‌های مردم‌نهاد در عرصه‌ی خارجی (مانند دیدبان حقوق بشر، دوستان زمین و انجمن زنان). (Mousavi & Kadkhodai & Shafiei Sarvestani 2011.P17)

بنابراین هر اندازه خصیصه‌ی کثرت‌گرایی در نظام سیاسی بیشتر باشد، نقش گروههای لابی پررنگ‌تر است. اکسیس دوتوکویل در کتاب «دموکراسی در آمریکا» نوشته‌است که از دهه‌ی ۱۸۳۰ میلادی مردم آمریکا به شدت در پی ایجاد و سازماندهی گروه‌های لابی بودند و این تاریخ را شروع لابی‌گری در آمریکا عنوان می‌کند. (Simber & Nazari. 2014.p34)

واقعیت این است که در آمریکا، لابی مفهوم مذمومی ندارد و از فعالیتهای غیرقانونی و زیرزمینی به شمار نمی‌رود. قدرت سیاسی در آمریکا بیش از هر کشور دیگری غیر متمرکز و توزیع شده است. قانون اساسی ایالات متحده به افراد، گروهها و سازمانهای مختلف حق می‌دهد برای دفاع از منافع خود، نزد



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۵۶

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

نهادهای قانون گذاری و اجرایی آن مشورت، به اصطلاح «عریضه خواهی» کنند یا چانه بزنند. این امر موجب شده است، جریان ها و تشکلهای پر نفوذ بتوانند روند پیچیده و بغرنج تصمیم گیری سیاسی در آمریکا را تحت تأثیر قرار دهند. (ahooyi.2010.p110) همان طور که ذکر شد با توجه به اینکه یهودیان آمریکا در حالی که تنها ۳ تا ۵ درصد جمعیت آن کشور را تشکیل می دهند، حجم قابل توجهی از سرمایه در گردش و مجموعه فراگیری از ابزارهای اطلاع رسانی آمریکا و مراکز قدرت سیاسی را در اختیار دارند، قدرت فراگیر یهودیان موجب شده است که آنها توسط گروههای لابی خود، بر روند سیاست گذاری داخلی و خارجی آمریکا، تأثیر قابل انکاری داشته باشند. (tabatabaie.p35) از جمله موارد مهمی که این لابی روی آنها سرمایه گذاری فکری و مالی نموده است؛ استفاده از قدرت رسانه ها برای جهت دهی به افکار عمومی، تحریک قدرت رأی مردم کشور، تشکیل لابی های فعال در کنگره و سنا، تشکیل اتاق های فکر که تحقیقات آکادمیک و دکتربین های سیاسی را در اختیار دولت قرار دهند، و ارتباط با بوروکرات ها و نمایندگان سیاسی، تضمین کننده موفقیت گروه های ذی نفوذ است. (Mousavi & Kadkhodai & Shafiei Sarvestani 2011.P33) با توجه به ساختار متکثر موجود در امر تصمیم گیری در سیاست گذاری موجود در ایالات متحده آمریکا و اهمیت نهادهای اجتماعی، گروه های ذی نفوذ و افکار عمومی و همچنین گروه های رسمی باید اذعان داشت که این امر بهترین فرصت را در اختیار لابی صهیونیستی می گذارد تا با تدوین ترجیحات، خط مشی ها و نظراتشان و ارائه این موارد به شیوه های گوناگون به مقامات دخیل، سعی می نمایند تا ساختارهای تصمیم گیری را در بخش سیاست خارجی با نقطه نظرات خودشان در موضوعات مهمی هم چون حمایت از اسرائیل و منافع آن، هم نظر و نیز هم سو کنند. لابی یهودیان آمریکا، برای تولید خروجی های ملموس و مداوم در جهت اهداف خود، همواره سعی کرده است؛ اولاً به روشنی دستور کارهای خود را تعریف کرده، آن را تبدیل به استراتژی خود ساخته و سپس این استراتژی را به عنوان بخشی از منفعت ملی آمریکا مطرح سازد. و نیز لابی یهودیان توانسته است با نفوذ خود در قوه مجریه، قوه مقننه و مراکز فکری و رسانه ها به این مهم نائل آید و اهداف خود را به عنوان منافع آمریکا توجیه سازد و ثانیاً این لابی توانسته است منابع قدرت خود را تبدیل به قدرت سیاسی کند و این قدرت سیاسی در ادامه توانسته است اهداف لابی یهودیان را که به عنوان منفعت ملی آمریکا مطرح شده، محقق کند. (tabatabaie.p37) گروه های فشار، به ویژه در مواقعی که بر هدف خاصی تمرکز دارند، می توانند به طور مؤثری منافع خود را پیگیری کنند و لابی یهود در این امر بسیار موفق عمل کرده است

(ahooyi.2010.p111) پل فیندلی^۱، در کتاب خود «آنها بی پرده سخن می‌گویند»، می‌نویسد رئیس جمهور از آن (لابی صهیونیستی) ترس دارد. کنگره به تمامی خواست‌های آنها تن می‌دهد. معتبرترین دانشگاه‌ها مواضع دارند که، در برنامه‌های خود، هرآنچه را که با آن مخالفت ورزد، به کناری نهند: غول‌های رسانه‌ها و سران نظامی در برابر فشارهای آن تسلیم می‌شوند (Garaudy.2006.p.235)

در باب حمایت‌های آمریکا باید در نظر داشته باشیم که به طور کلی، حمایت‌های آمریکا از اسرائیل و کمک آن به یهودیان را می‌توان در دو مرحله مشاهده کرد: ۱- قبل از برپایی "دولت یهود" در مه ۱۹۴۸ که در این دوره بیشتر حمایت‌های سیاسی و معنوی مقامات و افکار عمومی آمریکا از جنبش صهیونیسم مد نظر است. و به رسمیت شناختن کشور اسرائیل نقطه اوج این مرحله است. ۲- از ۱۹۴۸ به بعد که کمک‌های ایالات متحده آمریکا به دولت اسرائیل شکلی متنوع تر و پیچیده تر یافته و در سه بعد اقتصادی، نظامی و سیاسی - دیپلماتیک قابل مشاهده و تفکیک است. در کنار اینها، کشور اسرائیل همواره از جریان مداوم پشتیبانی و همراهی افکار عمومی هم برخوردار بوده است. (Atai & Zahra Aali.2012.p244)

مجموع کمک‌ها به این کشور (اسرائیل) تقریباً یک سوم بودجه کمک خارجی آمریکا را تشکیل می‌دهد. این در حالی است که اسرائیل تنها یک هزارم جمعیت جهان را داراست و در حال حاضر یکی از بالاترین درآمدهای سرانه در جهان را دارد. در واقع، در سایه کمک و حمایت‌های آمریکا، اسرائیل به کشوری پیشرفته از نظر اقتصادی و نظامی تبدیل شده است. از سال ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۶، مجموع کمک‌های دولتی آمریکا به اسرائیل در قالب برنامه‌های مختلف بیش از ۱۰۱ میلیارد دلار بوده است که قسمت عمده آن را کمک‌های نظامی و اقتصادی تشکیل داده است. تا جایی که "امروزه عمده حمایت آمریکا از اسرائیل تعهد این کشور به حفظ برتری نظامی اسرائیل در خاورمیانه است." (Atai & Zahra Aali.2012.p251) از طرفی حمایت‌های سیاسی از اسرائیل توسط آمریکا به ویژه در سازمان ملل کاملاً مشهود است. این حمایت‌ها در واقع با پذیرش طرح تقسیم سازمان ملل آغاز شد. در طول سال‌های بعد و علی‌رغم این که "اسرائیل بیش از هر کشور دیگر در جهان در معرض قطعنامه‌های انتقاد آمیز و محکوم کننده سازمان ملل قرار داشته است" به اوج خود می‌رسد (The same.p254)

۳- لابی اسرائیل و راه‌های هدایت دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا

لابی اسرائیل طبق فرضیه این پژوهش از سه راه در پی هدایت دستگاه سیاست‌گذاری آمریکا به سمت حمایت از اسرائیل می‌باشد که عبارتند از:

1. Paul Findley

۳-۱. حمایت‌های مالی از نامزدهای انتخابات کنگره و ریاست جمهوری

لابی اسرائیل زیر مجموعه‌ی لابی قومیتی می‌باشد چرا که این لابی‌ها سازمان‌های سیاسی هستند که مبنای مواضع فرهنگی، قومی، دینی یا نژادی دارند و در پی تأثیرگذاری بر سیاست خارجی آمریکا، در حمایت از مواطن یا اقوامشان در خارج از کشور هستند. از طریق حمایت‌های مالی انتخاباتی و از طرفی هم از طریق رأی‌هایشان و هم چنین لابی‌گری بر سیاست‌گذاری در امر سیاست خارجی آمریکا اثر گذارند. چرا که لابی اسرائیل و نامزدهای مجلس و سنا و نیز نامزدهای ریاست جمهوری خوب می‌داند پیروزی در انتخابات آمریکا، بیش از هر چیزی به پول نیاز دارد و جمع‌آوری پول در آغاز مبارزه‌ی انتخاباتی بسیار مهم است. معمولاً کسانی که در آغاز مبارزه‌ی انتخاباتی مقدار زیادی پول جمع کنند، شانس بیشتری برای پیروزی دارند. نامزدی که به اندازه‌ی کافی پول داشته باشد، می‌تواند تیمی از بهترین مشاوران و استراتژیست‌های انتخاباتی را برای پیروزی خود بسیج کند. به علاوه توان مالی یک نامزد بیانگر آن است که وی حامیان بسیار نیرومندی دارد که آماده‌اند تمامی توان خود را برای پیروزی‌اش بسیج کنند. (Sim-ber & Nazari.2014.p9)

با توجه به جمعیت اندک (یهودیان) در بحث رأی‌آوری نامزدهای کنگره و ریاست جمهوری حضور خود را به شکل قابل‌لمسی به منصفی ظهور می‌گذارند. در ایالات نیویورک، کالیفرنیا، فلوریدا و پنسیلوانیا با رأیشان این امر را نشان می‌دهند. در ایالات متحده، که در آن بیش از ۶ میلیون یهودی زیست می‌کنند، رأی آنها می‌تواند تعیین‌کننده باشد. (Garaudy.2006.p.213) در دهه‌ی ۱۹۷۰م. مشاوران جرالدفورد^۱ و جیمی کارتر رؤسای جمهوری آمریکا با تأکید بر اهمیت بسیار بالای یهودیان در انتخابات، از آن به عنوان یک واقعیت سیاسی نام برده‌اند. همیلتون جردن، مشاورکارتر نیز به اهمیت حمایت مالی یهودیان برای احزاب سیاسی و سیاستمداران اشاره می‌کند و این خیرخواهی سیاسی را در چارچوب سنت یهود در استفاده از ثروت و دارایی خود برای منافع دیگران تعبیر می‌کند. (Simber & Nazari.2014.p9) خود پرزیدنت ترومن، در ۱۹۴۶، درباره‌ی قدرت گروه فشار صهیونیستی و ((رأی یهود))، در برابر گروهی از دیپلماتها، اظهار داشته بود: «متأسفم آقایان، اما من باید به صدها هزار آدم که در انتظار کام‌یابی صهیونیسم هستند، پاسخگو باشم». (Garaudy .2006.p.214) دیود دیوک^۲، عضو سابق کنگره‌ی آمریکا درباره‌ی اهمیت یهودیان در انتخابات عنوان می‌کند: «یهودیان قوی‌ترین بازیگران عملیات سرمایه





گذاری برای حمایت انتخاباتی آمریکا به شمار می‌آیند،» (sterei.2001.p67) استفان دی. ایساک^۱ در کتاب «یهود و سیاست آمریکا»^۲ از یکی از اعضای کنگره نقل می‌کند که اگر در این کشور (آمریکا) بخواهید فعالیت سیاسی انجام دهید تا وقتی که از پول و حمایت یهودیان بی بهره باشید، به جایی نمی‌رسید. از آنجایی که نامزد شدن در انتخابات آمریکا بسیار پر هزینه است و مقررات مربوط به کمک‌های مالی به نامزدها نارساست، این فضا برای گروه‌های لابی به خصوص لابی قدرتمند یهود میسر شده است که به واسطه‌ی این گونه کمک‌ها نفوذ سیاسی و تأثیرگذاری خود را بر تصمیم‌گیران در سیاست‌گذاریهای سیاسی به خصوص سیاست خارجی آمریکا در حمایت از اسرائیل، بیش از پیش به سرانجام برسانند. (Simber & Nazari.2014.p9) فشار از طریق آراء و تأمین مالی نامزدها، دوره مؤثر برای تأثیرگذاری بر روی تصمیم‌گیری در امر سیاستگذاری امور خارجه و به خصوص در کارهای حمایتی از اسرائیل قلمداد می‌شود. با توجه به حجم پولی که نامزدهای انتخاباتی در مبارزات انتخاباتی خود هزینه می‌کنند چنان بالاست که معمولاً پیروز کسی است که توانسته به بهترین نحو کمک‌های مالی بیشتری را از گروه‌های ذی نفوذ و اشخاص جذب کند. کمک مالی به مبارزات انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری و مجلس نه تنها توسط بنگاه‌های اقتصادی و گروه‌های رسمی ذی نفوذ بلکه حتی توسط دیگر اقوام برای رسیدن به هدف مورد نظرشان یعنی نفوذ بر سیاست‌های دولت صورت می‌گیرد. به عنوان نمونه یهودیان آمریکا بزرگترین کمک‌کنندگان قومی هستند که مهمترین هدفشان حمایت از اسرائیل است. نمایندگان کنگره در یک نظر سنجی توضیح دادند که چرا از کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا به اسرائیل پشتیبانی و حمایت می‌کنند. بیشترین پاسخ‌ها تکراری، و این بوده است: «این پشتیبانی در مبارزه انتخاباتی به من کمک می‌کند» و نیز تا کنون بسیاری از رؤسای جمهوری آمریکا علناً اعلام کرده‌اند که اگر حمایت‌های (سیاسی، مالی، تبلیغاتی) و ... یهودیان آمریکا نبود در انتخابات به پیروزی نمی‌رسیدند. (Mousavi & Kadkhodai & Shafiei Sarvestani 2011.p23-24) در انتخابات کنگره‌ی آمریکا از میان تمام سازمان‌های یهودی لابی اسرائیل که برای حمایت از اسرائیل لابی می‌کنند، آپیک (کمیته‌ی امور عمومی آمریکا-اسرائیل) نقش اصلی لابی یهودی را در کنگره ایفا می‌کند. نفوذ و قدرت این سازمان در کنگره آن چنان زیاد است که هر دو حزب اصلی آمریکا آن را به عنوان یک واقعیت بلکه یک واقعیت سیاسی پذیرفته‌اند. «آپیک» رسماً نامزدی را معرفی نمی‌کند، بلکه برای رأی دهندگان اطلاعات لازم را

1. Stephen D. Isaacs

2. Jews and American Politics



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۶۱

نقش لابی یهودیان در تصمیمات سیاست خارجی آمریکا ...

جهت شناخت نامزدها ارائه می‌کند. «کمیته‌های کنش سیاسی»^۱ به نیابت از جامعه‌ی یهودیان به نامزدهای انتخابات پول می‌پردازند. آپیک «لیست پرداخت»^۲ به نامزدها را در اختیار این کمیته‌ها قرار می‌دهد. این کمیته‌ها مسئولیت جمع‌آوری و ارائه‌ی کمک‌های انتخاباتی به نامزدهای تأیید شده توسط آپیک را برعهده دارند. فرآیند حمایت‌های مالی آپیک از نامزدهای انتخاباتی به دوروش انجام می‌شود: اولاً بسیاری از افرادی که تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های آپیک هستند، خود از اعانه‌دهندگان مهم سیاسی نیز می‌باشند. واشنگتن پست در سال ۲۰۰۴ م گزارش داد که از سال ۲۰۰۰ م به بعد هر یک از اعضای هیأت مدیره‌ی آپیک به طور متوسط ۷۰۰۰۰ دلار برای مبارزات انتخاباتی به کمیته‌های کنش سیاسی کمک کرده‌اند؛ ثانیاً آپیک به نامزدها کمک می‌کند تا با سایر کمک‌کنندگان مالی در ارتباط باشند. این گونه است که خاخام یهودی، «استفن وایز»^۳ در اظهار نظری جالب می‌گوید: «اگر نامزدهای انتخابات تنها بر حسب حمایت آپیک را داشته باشند سیل پول از سراسر کشور به سوی آنها سرازیر می‌شود». (Simber & Nazari, 2014, p.34)

استیفن والت^۴، استاد دانشگاه هاروارد در مورد قدرت آپیک به عنوان مهمترین سازمان لابی اسرائیل می‌گوید: «اگر شما یک نماینده در کنگره آمریکا هستید و در زمینه‌ی مسائل مربوط به اسرائیل نظر خاصی ندارید، ترجیح می‌دهید زرنگی کرده و از اسرائیل حمایت کنید در غیر این صورت ممکن است عواقب خطرناکی برایتان داشته باشد....» (Simber & Nazari, 2014, p.56) اختصاص بودجه‌ی مخفی یک ملیون دلاری برای شکست سبنتیا مک کینی^۵، سناتور ایالات جورجیا و تأیید مجدد وی پس از تعدیل نظراتش در مورد اسرائیل بیانگر قدرت بسیار زیاد آپیک در کنگره است. (The same, p.19) به تعبیر مرشایمر^۶ و والت؛ اسرائیل از هرگونه انتقادی در کنگره مصونیت دارد. همچنین این لابی در قوه‌ی مجریه نیز اعمال نفوذ می‌کند. هدف لابی جلوگیری کردن از انتصاب افرادی در مقام وزیر خارجه است که نسبت به اسرائیل نظرهای انتقادی داشته باشند. (ahoye, 2011, pp.118-119) در کل بیشتر نامزدهای نمایندگی مجلس در سطح ایالتی، فدرال و نیز قوه‌ی مجریه از کمک‌های مالی لابی صهیونیستی بهره‌مند می‌شوند. (ahoye, 2011, p.117) از نظر صاحب نظران در مورد اینکه که گروه

1. Political Action Committees (PACs)
2. Money List
3. Stephen Wise
4. Stephen M. Walt
5. Cynthia Mckinny
6. John J. Mearseimer

فشار اسرائیلی - صهیونیستی موفق می‌شود به ایالات متحده رفتاری مخالف منافع آمریکا اما مفید به حال سیاست اسرائیل تحمیل نماید اختلاف نظر می‌باشد. ولی باید افزود که لابی اسرائیل تمام سعی خود را می‌نماید که خواسته‌های خود را در تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران اعمال نماید چه به نفع و چه به ضرر منافع آمریکا باشد. در این راستا «جرج بال» در کتاب خویش «خطا و خیانت» می‌نویسد: «هر زمان که آمریکا و اسرائیل در مورد مسأله‌ای با هم اختلاف دارند، طرفی که همواره می‌تواند نظرش را به دیگری تحمیل کند، اسرائیل است نه آمریکا» و در جای دیگر کتاب می‌نویسد: «اکثر رؤسای جمهوری و تعداد بی شماری از دولتمردان آمریکا مکرراً اعلام داشته اند که خود را به حفاظت از امنیت اسرائیل موظف می‌دانند». (<http://zien.maarefefealestin.com/index.php/>). برای مثال می‌توان موردی را اشاره نمود که نشان می‌دهد چگونه خواست های اسرائیلیان بر منافع ایالات متحده تقدم می‌یابند: روز ۳ اکتبر ۱۹۸۴، مجلس نمایندگان، با اکثریتی بیش از ۹۸ درصد، هرگونه محدودیتی بر مبادلات میان اسرائیل و ایالات متحده را، علی‌رغم گزارش نامساعد وزارت تجارت و تمامی سندیکاها، لغو کرد. هر سال، علی‌رغم هر قیدی که شامل همه‌ی فصول دیگر بودجه‌گرد، اعتبارات اسرائیل افزایش می‌یابند. جاسوسی به گونه‌ای است که محرمانه‌ترین پرونده‌ها به دست حکومت اسرائیل می‌افتند. (Garaudy, 2006. p231) در سال ۱۹۷۶، کارتر^۱ آرای یهودیان را به دست آورده بود، در ۱۹۸۰، تنها ۴۵ درصد از آنها را کسب کرد؛ چرا که، در این فاصله، به مصر هواپیماهای ب ۱۵ و به عربستان سعودی ((آواکس)) فروخته بود؛ با وجود این، اطمینان داده بود که این هواپیماها هرگز علیه اسرائیل به کار نخواهند رفت، چه ارتش آمریکا تمامی داده‌ها و اطلاعات آنها را در زمین کنترل و هدایت می‌کرد. با وجود این، کارتر، در ۱۹۸۰ از ریگان، که بر خلاف او، برای دو سال بعد ۶۰۰ میلیون دلار اعتبار نظامی به اسرائیل اختصاص داد، شکست خورد. (Garaudy, 2006. p230) روزنامه «کریس سانیس مانیتور» در شماره ۳۰ نوامبر ۱۹۹۳ نوشته است حدود ۵۵ درصد از سرمایه حزب دموکرات (را) یهودیان آمریکایی تأمین می‌کنند. (Babazadeh. 2004. p78) یکی از اعضای کنفرانس متنفذ رؤسای سازمان های بزرگ یهودیان امریکا چنین برآورد نمود که یهودیان به تنهایی ۵۰ درصد منابع مالی مبارزات انتخاباتی کلینتون در سال ۱۹۹۶ برای تصدی مجدد مقام ریاست جمهوری را تأمین کردند. (Izadi. 2004. p184) و با روی کار آمدن دولت کلینتون از حزب دموکرات بر نفوذ لابی یهود بر سیاست های آمریکا افزوده شد. (Izadi. 2004. p194) در نمونه دیگر در جریان انتخابات ۲۰۰۸، گروه های مدافع اسرائیل رسماً ۱۱ میلیون ۵۰۷ هزار و ۵۲۶ دلار برای نامزدها

1. Jimmy Carter



و احزاب هزینه کردند.. (Mousavi & Kadkhodai & Shafiei Sarvestani 2011.p26) یکی از روش‌هایی که لابی یهود از آن بهره می‌گیرد دادن هدایا برای تأثیرگذاری بر مقامات منتخب است. استیفن استاین لایت در این مورد می‌گوید: «تازمانی که در زمینه مسائل مالی مربوط به مبارزات انتخاباتی اصلاحاتی صورت نگیرد، ثروت بیکران جامعه یهودیان هم چنان این جامعه را از برتری و مزیت خاصی برخوردار می‌سازد» (Izadi.2004.p198)

۳-۲. فشارهای تبلیغاتی در رسانه‌ها

افکار عمومی بسیار حایز اهمیت می‌باشد و سخن خوزه اورتگا^۱ این اهمیت را بهتر روشن می‌نماید. وی می‌گوید: هرگز کسی در عالم خاکی فرمانروایی نکرده است «مگر اینکه فرمانروایی خود را به چیزی غیر از افکار عمومی مبتنی نکرده باشد». (Alam.2011.p365) بهترین وسیله‌ای که می‌تواند بر افکار عمومی تأثیر می‌گذارد رسانه‌ها هستند. باید توجه داشت همیشه افکار حاضر و آماده‌ای در دسترس کسانی که آن را می‌خواهند نیست، بلکه افکار از راه تبلیغات ماهرانه در معرض توجه قرار داده می‌شود. گروه‌های گسترده‌ی گوناگونی وجود دارند که به سود این یا آن چیز تبلیغات می‌کنند و روش‌های آنها گاه آشکار و مستقیم، و گاه پنهان و مشکوک است. (Alam.2011.p367) که لابی اسرائیل از این قاعده مستثنی نیست. رسانه‌ها که شامل روزنامه‌ها، مجلات، رادیو، تلویزیون و اینترنت هستند، اخبار، تفسیر و نظرات را منعکس می‌کند. رسانه‌ها قادرند افکار مردم را به سمت موضوعات سوق دهند و در نتیجه در سیاست خارجی نقش مستقیم و غیر مستقیم دارند. رسانه‌ها می‌توانند به دو صورت به تصمیم‌گیری‌های خارجی اثر بگذارند: ۱. از طریق سمت و سو دادن به افکار مردم در ارتباط با مسائل خارجی؛ و در این زمینه «همیلتون جردن»^۲، مشاور امنیت ملی کارتر در این مورد معتقد است: «آگاهی مردم از مسائل سیاسی بسیار محدود است چون حقیقت مسائل به درستی برای مردم روشن نیست، می‌توان مسائل سیاسی را از دیدگاه مشخصی برای آنان مطرح ساخت و با نگرش‌های خاص مسائل را به آنان القا کرد» (Simber & Nazari.2014.p8)

۲. از طریق آماده کردن جو دلخواه آنان، بر سیاستمداران فشار وارد می‌کنند تا از تصمیمات سیاسی خاصی پیروی کنند. (Mousavi & Kadkhodai & Shafiei Sarvestani 2011.P.p27-28)

در این زمینه پل فیندلی، عضو سابق کنگره آمریکا، در کتاب «آنها بی پرده سخن می‌گویند»، می‌نویسد: «هر کس از سیاست‌های اسرائیل انتقاد کند، باید منتظر یک انتقام دردناک از سوی لابی‌ها

1. Jose Ortega
2. Hamilton Jordan

و گروه‌های فشار اسرائیلی باشد» (tabatabaie.2006.p85). در بخش رسانه‌ها برخی از شبکه‌های تلویزیونی مهم آمریکا تحت مدیریت یهودیها است نظیر شبکه‌های (CBS)^۱، (ABC)^۲ و (NBC)^۳ و نیز برنامه‌های رادیویی (MBS)^۴ و شبکه‌های سرگرمی که با شرکتهای ژاپنی در آمریکا رقابت می‌کنند. در ایالات متحده هر سه سازمان اصلی تلویزیونی، شبکه‌های تجاری یا خصوصی اند - شرکت پخش آمریکا (ABC)، سازمان پخش کلمبیا (CBS) و شرکت پخش ملی (NBC). این شبکه‌ها، در بزرگترین شهرها قرار گرفته‌اند. این سه شبکه همراه با هم بیش از یک چهارم همهی خانوارها را تحت پوشش ایستگاههای تلویزیونی خود قرار می‌دهند. (Giddens& Bardsall2007.p89)

هم چنین سهم یهودیان در بخش روزنامه‌ها نظیر روزنامه واشنگتن پست و نیویورک تایمز با گرایش لیبرال، وال استریجورنال با گرایش محافظه کارانه و نیز مجله نیوزویک از اهمیت بالایی برخوردار است. (Jafari.2010.p101)

در ذیل مهمترین نشریات صهیونیستی آمریکا که بسیار فعال و مهم هستند معرفی می‌شود:

۱. روزنامه Daily News Bulltin که توسط خبرگزاری یهودی wish Telegrafic Agency چاپ می‌شود و مرکزش نیویورک است. ۲. هفته نامه یدیشی Jewish Forward که در نیویورک منتشر می‌شد و اکنون به زبان انگلیسی منتشر می‌گردد. ۳. نشریه یدیشی Morning freiheit که یک روز در میان در نیویورک منتشر می‌شود و گرایش سوسیالیستی دارد. ۴. هفته نامه Jewish Press که در نیویورک منتشر می‌شود. ۵. هفته نامه Jewish Week که باز در نیویورک منتشر می‌شود. ۶. مجله Commentary که از سال ۱۹۴۵ توسط کمیته یهودی آمریکایی چاپ می‌شود و از مهمترین مجله‌های انگلیسی زبان جهان است. ۷. فصل نامه Present Tense که توسط کمیته یهودی آمریکایی و با همکاری انجمن منشورات یهودی در آمریکا چاپ می‌شود. ۸. سالنامه American Jewish Year Book. ۹. ماهنامه فکری Moment که همچون مورد قبلی توسط کمیته یهودی آمریکایی منتشر می‌گردد. ۱۰. ماهنامه Congress Monthly. ۱۱. فصلنامه علمی Judaism که پژوهش‌هایی را درباره یهودیت عرضه می‌کند و مانند مورد قبلی از منشورات کنگره یهودی آمریکایی است.

اما درباره انتشاراتی‌های مهم یهودی باید گفت که از مهمترین شان انتشارات Herzl در نیویورک



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۶۴

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

1. Columbia Broadcasting System
2. American Broadcasting Companeies
3. National Broadcasting Company
4. Mutual Broadcasting System



است و سپس Jewish Publication Society در فیلادلفیا Bloch Publication Company - که سال ۱۸۵۴ در نیویورک تأسیس شد. (<http://zien.maarefefelestin.com/index.php>) مطلب مهم دیگر در این زمینه این است که بسیاری از مفسران رسانه ها از اسرائیل حمایت می کنند. روزنامه هایی چون شیکاگو سان تایمز^۱، واشنگتن تایمز^۲، سرمقاله هایی عمدتاً به طرفداری از اسرائیل می نویسند و مجلاتی نظیر کامنتاری^۳ نیو ایپابلیک^۴ و ویکلی استاندارد^۵ نیز مستمراً از اسرائیل حمایت می کنند. این تعصبات حتی در روزنامه ای هم چون نیویورک تایمز^۶ هم که به انتقاد از اسرائیل مشهور است دیده می شود. به عنوان مثال، سردبیر سابق این روزنامه، ماکس فرانکل^۷ از نویسندگان روزنامه تشکر کرد که مطالبی را در حمایت از اسرائیل در روزنامه منتشر می کنند. (<http://zien.Maarefefelestin.com/index.php>). استیفن استاین لای^۸، مدیر سابق امور ملی یهودیان آمریکا، نیز با ذکر عدم تناسب قدرت سیاسی یهودیان با کمیت آنان به این نکته اشاره می کند که این عدم تناسب به لحاظ قدرت و نفوذ اقتصادی در هالیوود، تلویزیون و خبر پراکنی بیش از حوزه های دیگر به چشم می خورد. در همین راستا نویسندگان معروف یهود، سیمور لیپست^۹ و ارال راب^{۱۰} در کتابی که تحت عنوان «یهودیان و صحنه جدید آمریکا» به رشته تحریر درآوردند و در سال ۱۹۹۵ به چاپ رسید، چنین بیان داشتند: «۵۹ درصد کارگردانان، نویسندگان و تهیه کنندگان ۵۰ فیلم مشهور طی سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۲ و ۵۸ درصد کارگردانان، نویسندگان و تهیه کنندگان دو یا چند سریال پربیننده تلویزیونی را یهودیان تشکیل می دادند». باید از این مهم غافل نبود که نفوذ فروان یهودیان در رسانه های آمریکا باعث شده است تا آنها به صورت مردمانی بلند نظر، نوع دوست، قابل اعتماد، مهربان و شایسته هم دردی و حمایت به تصویر کشیده شوند و میلیون ها آمریکایی به راحتی این تصاویر کلیشه ای را می پذیرند (۱۸۴-p. ۱۸۳.۲۰۰۴ Izadi).

1. chicago sun times
2. washington times
3. commentary
4. New Epublic
5. weekly standard
6. New York Times
7. Max Frankel
8. Stephen Steinlight
9. Seymour Lipset
10. Earl Raab



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۶۶

سال دوازدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۱

در این راستا در سال ۱۹۷۸ یک پژوهشگر آمریکایی یهودی به نام آلفرد لیلینتال^۱ در مطالعه مفصلی که تحت عنوان «ارتباط صهیونیستی» نوشت «در نتیجه تسلط یهودیان بر رسانه ها، اخبار مربوط به منازعه اسرائیل - فلسطین در تلویزیون ها، روزنامه ها و مجلات آمریکایی همواره در جهت هواداری از اسرائیل است.» (Izadi 2004.p-185) از ابزارهایی که لابی صهیونیستی برای تأثیرگذاری در سیاستهای آمریکا استفاده می کند بدنام ساختن آن گروه از مقاماتی در آمریکا بوده است که در راستای خط مشی های آن حرکت نکرده است. مثلاً پس از آن که کلینتون، اینیمن را برای تصدی پست وزارت دفاع نامزد کرد، وی در مطبوعات مورد انتقاد شدید ویلیام سافایر^۲، از نویسندگان نطقهای نیکسون و جمهوری خواه محافظه کاری قرار گرفت که معتقد بود جورج بوش پدر به اندازه کافی طرفدار اسرائیل نیست. (Izadi 2004.p-195) رساترین مطلبی که در توصیف سیطره لابی اسرائیل بر صنعت سینمای آمریکا به ویژه هالیوود گفته شده است، بخشی از مقاله مجله «الاخبارالمسیحیه الحره» (اخبار آزاد مسیحی) چاپ لس آنجلس شماره اول آوریل ۱۹۳۸ می باشد که در آن آمده است: «صنعت سینما در آمریکا کاملاً یهودی است...». در تحقیقی که به سال ۱۹۸۸ میلادی انجام شد با عنوان یک «امپراطوری برای خودشان» به این موضوع پرداخته شده است که چگونه یهودی ها هالیوود را به وجود آوردند. نویسنده یهودی نیل گابلر نشان می دهد که یهودی ها تمام استودیوهای اصلی فیلم آمریکا را پایه گذاری کردند که شامل استودیوهای کلمبیا، متروگلدین، برادران وارنر، پارامونت و فوکس قرن بیستم می شده است. رابرت مردوخ صهیونیست استرالیایی الاصل نیز «استودیوهای فیلم فوکس قرن بیستم»^۳ را خرید تا سیطره صهیونیسم بر سینمای غرب کامل شود. (<http://zien.maarefelestin.com/index.php>)

۳-۳. اعمال نفوذ در محافل علمی و پژوهشی

مؤسسات آموزشی مانند مدرسه، دانشکده، مؤسسات تحقیقاتی و پژوهشی نیز بر افکار عمومی نفوذ مستقیمی اعمال می کنند. (Alam. ۲۰۱۱. ۳۷۲.p) تلاش برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی از راه های نشر کتاب ها و مقاله های گوناگون، برگزاری جلسه های سخنرانی عمومی، تبلیغ در سطح دانشگاه ها و جذب دانشجویان از مجموعه کارهایی است که لابی ها برای تحت تأثیر قرار دادن تصمیم گیرندگان انجام می دهند. (ahooye.2011.p116) برنامه های رهبری دانشجویان به وسیله آپیک، ابزار حیاتی برای تقویت قدرت این تشکیلات هم در حال و هم در آینده است. کارکنان آپیک با ۲۰۰۰ دانشجوی

1. Alfered Lilienthal

2. William Safire

3. Twentieth the Century – FOX



دانشگاه در ۵۰ ایالات همکاری می کنند و در زمینه مسائل مختلف به آنها آموزش داده، آنها را در فرآیند امور مشارکت می دهند. (Babazadeh.2004.p.202) لابی اسرائیل در طول ۲۵ سال گذشته، در شمار مهم ترین مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی آمریکا مثل: مؤسسه امریکن اینترپرایز، مؤسسه ی بروکینگ مرکز مؤسسه ی امنیتی، مؤسسه تحقیقاتی سیاست خارجی، بنیاد هریتیج، مؤسسه ی هادسن و... نفوذ کرده است و در این مراکز مطالعاتی حضوری تعیین کننده دارد. طرفداران اسرائیل در دانشگاه ها نیز حضور فعال دارند. بیشتر تحلیل گران روزنامه های مشهور و شبکه های رادیویی و تلویزیونی از اسرائیل حمایت می کنند و بیش از ۲۰۰ واحد سازمان آپیک در دانشگاه های آمریکا شیوه ی گفتار و رفتار استادان و دانشجویان را در قبال اسرائیل رصد می نمایند. (ahooye.2011.p118) لابی یهود در کنترل دانشگاهها ، با مشکلات عمده ای روبه روست ، زیرا اصل اساسی در دانشگاه ها آزادی است. برای مثال در این اماکن در دهه ۱۹۹۰، هنگام انعقاد توافقنامه اسلو، انتقاداتی از اسرائیل صورت گرفت. انتقادات بعد از قدرت گرفتن آریل شارون در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت و در سال ۲۰۰۲ زمانی که نیروهای اسرائیلی کرانه باختری را مجدداً اشغال کردند و انتفاضه دوم به وجود آمد، باعث ایجاد تنش هایی شد ، لذا لابی های جدیدی برای در اختیار گرفتن محیط دانشگاهها توسط یهودیان تشکیل شد که به عنوان مثال، می توان گروهی به نام «کاروان دموکراسی»^۱ که فرستادگان دولت اسرائیل را به دانشگاهها می فرستاد را نام برد . همچنین گروههای جدیدی مانند «شورای امور عمومی یهود»^۲، «بنیاد هیلل»^۳ و «اتلاف اسرائیل برای دانشگاه ها»^۴ نیز برای هماهنگی در جهت خدمت به منافع اسرائیل، در دانشگاهها تأسیس شد و سرانجام آپیک نیز برنامه های زیادی را برای تحت کنترل در آوردن فعالیت ها در محیط های دانشگاهی را در دستور کار خویش قرار داد. علاوه بر اینها ، لابی های صهیونیست آنچه اساتید دانشگاه ها آموزش می دادند و می نوشتند را کنترل می کردند. برای مثال «مارتین کرامر»^۵ و «دانیل پایپس»^۶، دوتن از نومحافظه کاران طرفدار اسرائیل، سایتی را به نام «دیده بان فضای دانشگاه»^۷ طراحی کردند که در آن از دانشجویان خواسته شده فعالیتهای ضداسرائیلی در دانشگاههای خود را گزارش دهند . از سوی دیگر اساتید دانشگاهها نیز

1. Carvan For Democracy
2. Jewish Council For Publicaffairs
3. Hillel Fundation
4. Israel Compus Coulitaion
5. Martin Kramet
6. Daniel Pipes
7. Camputs Watch

به شدت کنترل می‌شوند. به ویژه دانشگاه کلمبیا که اندیشمند فلسطینی «ادوارد سعید»^۱ در آن به تدریس می‌پرداخت، هدف گروه‌های طرفدار اسرائیل قرار گرفت. «جانانان کول»^۲ رئیس سابق دانشگاه کلمبیا اعلام کرد که طی نامه‌های زیادی از مدیران دانشگاه خواسته شده بود که ادوارد سعید را اخراج کنند. شاید مهمترین جنبه تلاش یهودیها برای مبارزه با انتقاد از اسرائیل در دانشگاهها، فشار گروه‌های یهودی بر کنگره برای وضع مکانیسمی در جهت کنترل سخنان اساتید دانشگاه درباره اسرائیل بود. متعاقب این فشارها، مدرسی که وقوع فعالیتهای ضداسرائیلی در آنها ثابت می‌شد، از بودجه فدرال محروم می‌شدند. هر چند تلاش یهودیان برای کنترل دانشگاهها به موفقیت کامل نرسید، اما با این وجود این تلاشها همچنان ادامه دارد (<http://zien.maarefelestin.com/index.php>)

نتیجه‌گیری

فرضیه اساسی این مقاله آن بود که لابی اسرائیل از راه‌هایی هم چون حمایت مالی از نامزدهای انتخابات کنگره و ریاست جمهوری، فشارهای تبلیغاتی در رسانه‌ها و نیز اعمال نفوذ در محافل علمی در پی هدایت دستگاه‌های سیاست‌گذاری آمریکا به سمت حمایت از اسرائیل می‌باشد. با مطالعه و بررسی‌های انجام شده می‌توان گفت لابی صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا یکی از لابی‌های پر نفوذ و موثر در دستگاه هیئت حاکمه است و یهودیان در آمریکا دیگر اقلیت نیستند بلکه بخشی از اکثریت هستند و اکنون در جامعه آمریکا پذیرفته شده و توانایی دستیابی و پیشرفت دارند. این بررسی نشان داد که یهودیان ایالات متحده از دوران بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا به شکل منظم و تشکیلاتی و با استفاده از پتانسیل‌های اکتسابی چون ویژگی انسجام، سازماندهی و سطح نخبگی که وام گرفته از عملکرد و فعالیت ایشان بوده، خاستگاه لابی یهودیان با اعمال نفوذ و تخصیص منابع مادی و معنوی لازم، خاستگاه رسانه‌ای که به عنوان بازوی قدرتمند اقناع افکار عمومی در آمریکا و خاستگاه قدرت یهودیان در حضور قوای مقننه و مجریه به قدرت موثر در آمریکا دست یافتند.

خصوصیات جامعه یهودی که حاکی از اتحاد و همدلی و حمایت از همدیگر بود، استراتژیک بودن حمایت آمریکا از اسرائیل که البته در دوران نیکسون مفهوم جدیدی به خود گرفت. دسترسی آن به منابع قدرت که در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، رسانه و فرهنگ پراکنده بود، وجود افراد و بروکراسی لایق و کارآمد و مشارکت سیاسی ۹۰ درصدی جامعه یهودی در انتخابات، از عوامل تقویت‌کننده و قدرت



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعه‌ی ترانس‌ال‌عالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۶۸

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

1. Edward Said
2. Janathan Cole



بخش لابی صهیونیسم در ایالات متحده است. هرچند که راهبردی بودن منافع اسرائیل و ایالات متحده مهم‌ترین عامل در اثر بخشی توصیه‌های لابی در ایالات متحده به شمار می‌رود.

این تعلق استراتژیک با ظهور دولتهای کندی و جانسون و تصدی پستهای حساس توسط یهودیان کم کم زمینه پیدا کرد تا آنجا که در دوران نیکسون از این تعلق به عنوان سرمایه استراتژیک یاد شد. لذا لابی صهیونیست بعد از این دوره است که به سرعت رشد میکند و به عنوان عامل تاثیر گذار در صحنه سیاسی، اقتصادی و... ایالات متحده مطرح میشود.

شایان ذکر است ایالات متحده آمریکا به صورت رسمی فعالیت گروه های ذی نفوذ (لابی) را پذیرفته است این گروه ها خواسته های گروهی خود را به سیاستمداران منتقل کرده و خواستار لحاظ شدن آن در تصمیم گیری های رسمی و سیاسی هستند. البته باید یادآور شد که این دسته با موجودیت رژیم صهیونیستی مخالف نیستند و به همین دلیل برخی ها تشکیل این سازمانها را حربه ای از سوی صهیونیسم بین الملل برای حمایت از رژیم صهیونیستی تفسیر می کنند. البته در موج جدیدی که طی سالهای اخیر برای تشکیل سازمانهای صهیونیستی منتقد رژیم صهیونیستی ایجاد شد، لابی جی استریت در آمریکا از دل لابی بزرگ آپیک به وجود آمده است. البته پیامدهای منفی حمایت بی قید و شرط آمریکا از اسرائیل برای منافع ملی آمریکا به دنبال آورده است در موارد زیر خلاصه می شود:

- اختلافات یا تفاوت منافع بخشی از یهودیان آمریکا با اسرائیل که اساسا نوع نگاه و عملکرد اسرائیل را مناسب منافع آمریکا و اسرائیل نمی دانستند ...

- فشار افکار عمومی ناشی از رفتارهای ضد انسانی و ضد بشری دولت حاکم اسرائیل در برخورد با فلسطینیان که بیش از پیش رژیم صهیونیستی را منزوی و منفور می ساخت.

- شکست اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه، شکست اسرائیل در جنگ ۲۲ روزه، گزارش گلدستون، محاصره غزه، حمله به کشتی آزادی و منزوی شدن بیش از حد اسرائیل در محافل بین المللی، بحران مشروعیت و هویت اسرائیل.

- تغییر نگاه دولت مردان آمریکایی با روی کار آمدن او باما با شعار تغییر و حل بحران خاور میانه (اسرائیل - فلسطین) و مطرح ساختن طرح دو دولت (اسرائیلی - فلسطینی) برای پایان دادن به بحران خاور میانه از جمله عواملی بودند که سبب ایجاد تحول در لابیهای مخالف و لیبرال یهودی در آمریکا و اروپا گشت. البته با آمدن ترامپ دوباره لابی یهودی نفوذ خود را بیشتر کرد و باید دید در دوران بایدن حمایت از اسرائیل تاچه اندازه خواهد بود.

- ظهور لابی جی کال^۱ در اروپا با همان منطق جی استریت و پیوستن حدود چهار هزار یهودی
سرشناس به آن شاخص دیگری بر این تحول و ضدیت با اسرائیل است.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۷۰

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

منابع

- آشوری، داریوش، دانشنامه ی سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی)، تهران، انتشارات مروارید، چاپ بیست و یکم، ۱۳۹۱.
- آقا بخشی، علی و مینو، افشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر چاپار، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۹.
- ایزدی، پیروز، کتاب آمریکا (۳) (ویژه روابط آمریکا-اسرائیل)، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳.
- استیری، جان، (۱۳۸۰). "نقش گروه های فشار در شکل گیری سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه"، ترجمه حجت رسولی، فصلنامه مطالعات منطقه ای، اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی، جلد نهم.
- جعفری، علی اکبر، منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا-اسرائیل، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- دوروزه، موریس، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، تابستان ۱۳۸۶.
- رینولدز، فیلیپ الن، شناخت اصول روابط بین الملل، ترجمه جمشید زنگنه، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- سیف زاده، سید حسین، نظریه پردازی در روابط بین الملل: مبانی و قالب های فکری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶.
- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۰.
- قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۰.
- گیدنز، آنتونی و کارن پردسال، جامعه شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- گارودی، روزه، تاریخ یک ارتداد: اسطوره های بنیانگذار اسرائیل، ترجمه مجید شریف، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- هیوود، اندرو، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.
- مقاله نامه:
- آهویی، مهدی، نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده؛ از اسطوره تا واقعیت، فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰.
- اشتریان، کیومرث و نادر، جعفری هفتخوانی، تصمیم گیری در سیاست خارجی و نقش دیپلماسی عمومی در فرآیند تصمیم سازی، اندیشه مدیریت، شماره ۱، بهار ۱۳۸۶.
- بابازاده، رحیم، نقش ((آپیک)) در فرآیند سیاستگذاری خارجی آمریکا، مجله دانشکده علوم انسانی، سال سیزدهم، شماره ۵۵، بهمن و اسفند، ۱۳۸۳.
- رنجبر، احمد، ((نقش لابی گری در فرآیند قانونگذاری و امکان قانونمند کردن آن))، مجلس و پژوهش، سال ۱۲، شماره ۵۰ -



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجلس در اساتذ العالم الاسلامی
پژوهش های نوین برای جهان اسلام

۴۹، (بی تا).

-سیمبر، رضا و کیانوش نظری، آپیک و تأثیر آن بر انتخابات ایالات متحده آمریکا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین الملل، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۳،

-سلیمانی، غلامعلی، ((نقد و بررسی مدل عقلانی تصمیم گیری در سیاست خارجی از گونه های تعدیل شده الگوی عقلانی تا مدل های جایگزین))، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰،

-طباطبایی، سیدعلی، لابی یهودیان آمریکا (کارگزار تحریم ایران)، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵،

-عطایی، فرهاد و زهرا عالی، رابطه ویژه آمریکا و اسرائیل: پژوهشی درباره پیشینه، ماهیت و گستره ی این رابطه، فصلنامه

سیاست، (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، دوره ۴۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱،

-موسوی، سید محمدعلی و الهام، کدخدایی و فاطمه شفیعی سروستانی، مدل سازی روند تصمیم گیری در سیاست

خارجی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰،

Mearsheimer, John J, & Stephen M, Walt, ((The israel lobby and u.s. foreign policy)),

MIDDLE EAST POLICY COUNCIL, XIII, NO3, March 2006

منابع اینترنتی

http://zien.maarefefelestin.com/index.php-ایالات_متحده_آمریکا_-_اسرائیل_-_روابط

http://zien.maarefefelestin.com/index.php-لابی_صهیونیستی

http://zien.maarefefelestin.com/index.php-مطبوعات_صهیونیستی

http://zien.maarefefelestin.com/index.php-هالیوود_سینما



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلم اسلام

۷۲

سال دوازدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۲۰۳۰۳

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

حسینی، سیده صدیقه؛ خورشیدی، محمد؛ نائیج، علیرضا (۱۴۰۱)، «نقش لابی یهودیان در تصمیمات سیاست خارجی آمریکا در حمایت از اسرائیل» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۲، ش ۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۷۲-۴۷.